

Good Faith in the Judgments of the International Court of Justice

Abdul Majid Mehdizadeh¹, Mohammad Hadi Suleimanian^{*2}

1. Ph.D. Student in Public International Law, Faculty of Humanities, Hamadan Branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran.

Email: mehdizadehmajid4@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

*. Corresponding Author: Soleimanian.hadi@gmail.com

A B S T R A C T

Good faith, as one of the fundamental principles of international law, indicates the need for fairness, honesty and reasonableness in international relations. And the International Court of Justice and other international judicial authorities have been repeatedly cited. The judges of the Court have also discussed and cited the concept of good faith in their separate opinions on various occasions. The International Court of Justice, citing the principle of good faith in the settlement of international disputes, has played an effective role in objectifying some manifestations of the principle of good faith in international law and in the process of interpreting the law, creating the law, replacing the law or removing ambiguity. International law - sometimes from general principles such as good faith, has made effective inferences that are helpful in understanding the



Copyright & Creative Commons:

© The Author(s), 2021 Open Access. This article is licensed under a Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0, which permits use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. To view a copy of this licence, visit <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>.



content of the manifestations of good faith and its legal criteria. In the first part of the present article, we examine the principle of good faith and its various manifestations, and in the second part, we analyze some of the cases that have been invoked in the procedures of the Permanent International Court of Justice and the International Court of Justice.

Keywords: Good Faith, International Court of Justice, Judicial Procedure, Fairness, Staple.

Excerpted from the Ph.D. thesis entitled "Explanation and position of good faith in international law with emphasis on the judgments of the International Court", Islamic Azad University, Hamedan Branch.

Funding: The author(s) received no financial support (funding, grants, and sponsorship) for the research, authorship, and/or publication of this article.

Author contributions:

Abdul Majid Mehdizadeh: Conceptualization, Methodology, analysis, Investigation, Resources, Writing - Original Draft, Writing - Review & Editing.

Mohammad Hadi Suleimanian: Conceptualization, Methodology, Validation, analysis, Investigation, Resources, Data Curation, Writing - Review & Editing, Supervision, Project administration

Competing interests: The authors declare that they have no competing interests.

Citation:

Mehdizadeh, Abdul Majid & Mohammad Hadi Suleimanian. "Good Faith in the Judgments of the International Court of Justice" *Journal of Legal Research* 21, no. 51 (December 21, 2022): 225-250.

E x t e n d e d A b s t r a c t

Good faith, as one of the fundamental legal principles of international law, expresses the necessity of fairness, honesty and reasonableness in international relations. This principle is among the multi-layered and complex concepts that have always been discussed both in doctrine and in the practice of the Permanent Court. And the International Court of Justice and other international judicial authorities have been cited many times. Some of the general principles of international law, including the fulfillment of a promise, staple, silence, and the prohibition of the abuse of the right to negotiate, are derived from the general principle of good faith. The use of good faith in international lawsuits is different depending on its subject. The international judge of the court, in the position of interpreting and disambiguating the text, must choose a basis for finding this basis for the judge's interpretation by pondering the scattered behavior of governments and establishing the content of the rights of declarations and Positions and behavior of the subjects of international law and revealing their legal nature with the help of fundamental principles including good faith, infers the judgment and obtains the necessary and logical results from it. And this process is one of the most important functions of good faith in the International Court of Justice system. Court judges have also discussed and cited the concept of good faith in their separate opinions on different occasions. The International Court of Justice, citing the principle of good faith in the settlement of international claims, has played an effective role in finding the objectivity of some of the results and examples of the principle of good faith in international law and in the process of interpreting the law, voiding the law, replacing the law or removing ambiguities in The rules of international law have made effective inferences from the general principle such as good faith, which is helpful in understanding the content of the manifestations of good faith and its legal standards. The issue of applying good faith in international judicial procedure has been raised in various cases and has been gradually recorded in opinions and international judicial procedure. Therefore, the review of the opinions of the International Court of Justice in various lawsuits regarding the application of good faith caused the existing legal gap and finally solutions for this shortcoming. be paid Therefore, the role of international courts, especially the International Court of Justice, is very important in the field of international dispute resolution. In this article, in the first part, we will examine the principle of good faith and its various manifestations, and in the second part, we will analyze some of the cases in which the principle of good faith is invoked in the procedures of the Permanent International Court of Justice and the International Court of Justice.

This Page Intentionally Left Blank

حسن نیت در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری

عبدالمجید مهدیزاده^۱، محمد‌هادی سلیمانیان^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده علوم انسانی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

Email: mehdizadehmajid40@gmail.com

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

نویسنده مسؤول*: Email: Soleimanian.hadi@gmail.com

چکیده:

حسن نیت به عنوان یکی از اصول بنیادین و کلی حقوق بین‌الملل، بیانگر لزوم وجود انصاف، صداقت و معقول بودن در روابط بین‌المللی است. این اصل از جمله مفاهیم چندلایه و پیچیده‌ای است که هم در دکترین، همواره مورد بحث بوده و هم در رویه دیوان دائمی و دیوان بین‌المللی دادگستری و سایر مراجع قضایی بین‌المللی به کرات مورد استناد قرارگرفته است. قضات دیوان نیز در نظرات جداگانه خود به مناسبات‌های مختلف، مفهوم حسن نیت را مورد بحث و استناد قرار داده‌اند. دیوان بین‌المللی، با استناد به اصل حسن نیت در حل و فصل دعاوی بین‌المللی، نقش مؤثری در عینیت یافتن برخی از جلوه‌ها و مصادیق اصل حسن نیت در حقوق بین‌الملل داشته و در فرایند تفسیر قانون، خلاصه قانون، جای قانون یا رفع ابهام در قواعد حقوق بین‌الملل - گاه از اصل کلی چون حسن نیت، استنباط‌های اثربخشی انجام داده که در فهم محتوای جلوه‌های حسن نیت و معیارهای حقوقی آن راهگشاست. در مقاله حاضر در بخش اول به بررسی اصل حسن نیت و



نوع مقاله:
پژوهشی

DOI:

10.48300/JLR.2021.256450.1540

تاریخ دریافت:
۱۴۰۰ دی ۲۲

تاریخ پذیرش:
۱۴۰۱ فروردین ۲۱

تاریخ انتشار:
۱۴۰۱ اسفند ۱۰

کی‌رایت و مجوز دسترسی آزاد:



کی‌رایت مقاله در مجله پژوهش‌های حقوقی نزد نویسنده (ها) حفظ می‌شود. کلیه مقالاتی که در مجله پژوهش‌های حقوقی منتشر می‌شوند با دسترسی آزاد هستند. مقالات تحت مجاز Creative Com-mons Attribution Non-Commercial License 4.0 منتشر می‌شوند که اجازه استفاده، توزیع و تولید مثل در هر رسانه‌ای را می‌دهد، به شرط آنکه به مقاله استناد شود. جهت اطلاعات بیشتر می‌توانید به صفحه سیاست‌های دسترسی آزاد شنیده مراجعه کنید.



جلوه‌های مختلف آن و در بخش دوم به تجزیه و تحلیل بعضی از قضایایی که در رویه‌های دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری و دیوان بین‌المللی دادگستری، به اصل حسن نیت استناد شده است، می‌پردازیم.
کلیدواژه‌ها:

حسن نیت، دیوان بین‌المللی دادگستری، رویه قضایی، انصاف، استاپل.

برگرفته از رساله دکتری با عنوان «تبیین و جایگاه حسن نیت در حقوق بین‌الملل با تأکید بر آرای دیوان بین‌المللی»، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان.

حامی مالی:

این مقاله هیچ حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان:

عبدالمجید مهدی‌زاده: مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، تحلیل، تحقیق و بررسی، منابع، نوشتن - پیش‌نویس اصلی، نوشتن - بررسی و ویرایش.

محمدهادی سلیمانیان: مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، اعتبار سنجی، تحلیل، تحقیق و بررسی، منابع، نظارت بر داده‌ها، نوشتن - بررسی و ویرایش، نظارت، مدیریت پروژه.

تعارض منافع:

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

استناددهی:

مهدی زاده، عبدالمجید و محمدهادی سلیمانیان. «حسن نیت در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری». مجله پژوهش‌های حقوقی ۲۱، ش. ۵۱ (۱۴۰۱ آذر ۳۰): ۲۲۵-۲۵۰.

مقدمه

اصول کلی حقوقی به عنوان یکی از منابع حقوق بین‌الملل، جایگاه و نقش مهمی دارد. حسن نیت یکی از مهم‌ترین اصول محسوب می‌شود که ریشه در حقوق داخلی کشورها دارد. در حقوق بین‌الملل اصل حسن نیت در کنار برخی اصول دیگر همچون لزوم وفای به عهد، حاکمیت دولت، تساوی دولتها و ... در زمرة اصول بنیادین است. به گونه‌ای که رویه قضایی منطقه‌ای و بین‌المللی بر اعتبار این اصل مهر تأیید زده است. از حسن نیت می‌توان به عنوان اصل حاکم بر کل نظم حقوقی نام برد که توانسته است در برخی حوزه‌های حقوق بین‌الملل نقش مهم و برجسته‌ای ایفا کند به خصوص در رویه قضایی به ویژه دیوان بین‌المللی دادگستری در آرای صادره در حل و فصل اختلافات بین‌المللی با استناد به قواعدی چون لزوم وفای به عهد، استنایل، سکوت، منع سوء استفاده از حق و انصاف، بر بنیان اصل حسن نیت قرار دارد؛ که نقش تأثیرگذار و تعیین‌کننده دیوان بین‌الملل دادگستری در قضایای مختلف مطروحه از جانب دولتها نیز قابل توجه است. حقوق دانان بین‌الملل به طورکلی توافق دارند که یکی از مصاديق اصل حسن نیت، اصول کلی حقوقی در مفهوم قسمت ج بند ۱ ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری است.

اصول کلی حقوقی در کنار عرف و معاهده منابع مستقل حقوق بین‌الملل به حساب می‌آید و این اصول نقشه انتقال‌دهنده مبانی ارزش نظام حقوقی را دارد؛ به همین دلیل در پویایی حقوقی و تغییر و پرکردن خلاهای حقوقی و گذار از وضعیت‌های نامشخص نقش ایفا می‌کند. یکی از راه‌های رفع ابهام در قواعد حقوق بین‌الملل موضوعه، استنباط قاعده از طریق استناد به اصول کلی است. در چنین وضعیت‌هایی، قاضی از دل اصول کلی، قاعده‌ای خاص را انتزاع می‌کند و از محتوای اصل یا قاعده‌ای کلی و بلاشرط، قاعده‌ای خاص استخراج می‌کند، حدود و دامنه اجرایی قاعده، شرایط و جهات و نیز مستثنیات و آثار حقوقی آن را معین می‌سازد و بدین ترتیب از یک اصل انتزاعی قواعد متعددی استنباط می‌کند.^۱ بستر این فرایند رسیدگی‌های قضایی بین‌المللی به ویژه آرای دیوان بین‌المللی دادگستری است. قانون در شکل اولیه، عمداً به اعمال کلی قواعد مربوط می‌شود و فضای کمی برای تغییر قضایی مختلف بین‌المللی ایجاد می‌کند و از این‌رو موجب سختی قواعد می‌شود در اوضاع و احوالی که قواعد عادی حاصل از قانون، منتهی به سختی غیرمعمول آن شود حسن نیت این سختی قانون را از طریق اعمال آنچه عادلانه است، تصحیح می‌کند. در این مفهوم جدایی از قواعد کلی، گاهی قواعد را تکمیل

۱. هدایت الله فلسفی، حقوق بین‌الملل معاهدات (فرهنگ نشر نو، سی و هشت، پیشگفتار، ۱۳۹۱)، ۶۰۶.

می‌کند یا جایگزین قاعده می‌شود. به طور کلی حسن نیت و جلوه‌های آن در مرحله رسیدگی قضایی بین‌المللی در دیوان بین‌المللی دادگستری اهمیت خاصی دارند؛ و در این مفهوم چند کارکرد ایفا می‌کند، گاهی در تفسیر قانون، گاهی در خلاصه قانون و گاهی به جای قانون؛ به عبارت دیگر یکی از راههای رفع ابهام در قواعد حقوق بین‌الملل موضوعه استناد به اصول کلی ازجمله حسن نیت در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری می‌باشد.

استفاده از حسن نیت در دعاوی بین‌المللی بسته به موضوع آن متفاوت است؛ قاضی بین‌المللی دیوان در مقام تفسیر و رفع ابهام از متن باید مبنای را برگزیند. برای یافتن این مبنای تفسیر قاضی با تعمق در رفتار پراکنده دولت‌ها و استقرار در محتواه حقوق اعلامیه‌ها و موضع‌گیری‌ها و منش تابعان حقوق بین‌الملل و با آشکار ساختن ماهیت حقوقی آنها به کمک اصول بنیادین ازجمله حسن نیت، حکم را استنباط می‌کند و نتایج لازم و منطقی را از آن به دست می‌آورد؛ و این فرایند یکی از مهم‌ترین کارکردهای حسن نیت در سیستم دیوان بین‌المللی دادگستری می‌باشد.

حسن نیت از انتظارات مشروعی که رابطه قانونی میان دو یا چند تابع حقوقی ایجاد می‌کند، حمایت می‌کند و این نقش را از طریق قواعد و اصول بین‌المللی مهمی چون لزوم وفای به عهد، انصاف، استاپل، سکوت و سوءاستفاده از حقوق ایفا می‌کند. رویه قضایی بین‌المللی بهویژه آرای دیوان بین‌المللی دادگستری بر این مسأله مهر تأیید زده‌اند که هریک از این قواعد مذکور بر اساس و بنیان حسن نیت بنashده است و کاربرد این اصل در حل و فصل اختلافات بین‌المللی بسیار برجسته و تعیین‌کننده است. مسأله اعمال حسن نیت در رویه قضایی بین‌المللی در قضایی مختلف مطرح و به تدریج در آرا و رویه قضایی بین‌المللی ثبت شده است؛ لذا بررسی آرای دیوان بین‌المللی دادگستری در دعاوی مختلف در کاربرد حسن نیت باعث شد که به خلاصه موجود و نهایتاً راهکارهایی به منظور این کاستی‌ها پرداخته شود؛ بنابراین نقش محاکم بین‌المللی خاصه دیوان بین‌المللی دادگستری اعمال حسن نیت در عرصه حل و فصل اختلافات بین‌المللی بسیار مهم می‌باشد. هدف اصلی در نگارش مقاله فوق کاربرد و اعمال حسن نیت در رویه قضایی بین‌المللی با تأکید بر آرای دیوان بین‌المللی دادگستری می‌باشد و با تجزیه و تحلیل قضایی مختلف در روند رسیدگی دیوان در پی پاسخ به این سؤال هستیم که کاربرد و اعمال حسن نیت در رویه قضایی بین‌المللی با تأکید بر آرای دیوان بین‌المللی دادگستری در حل و فصل دعاوی بین‌المللی چگونه است؟

۱- جواب و جلوه‌های خاص اصل حسن نیت در حقوق بین‌الملل

اصول کلی وفای به عهد، استاپل، سکوت و منع سوء استفاده از حق از اصل کلی حسن نیت مشتق شده‌اند. حسن نیت به عنوان اصل مبنایی بر کلیه روابط حقوقی بین‌المللی خصوصاً روابط حقوقی سازمان‌های بین‌المللی با دولت‌های عضو یا دولت‌ها با یکدیگر سیطره دارد و اساساً به معنی درستکاری تابعan حقوق است.^۲ نادیده گرفتن این اصل تعادل حقوقی جامعه بین‌المللی را که از واجبات حیات آن جامعه است از میان می‌برد. درون‌مایه و هدف اصلی حسن نیت را می‌توان حمایت از انتظارات مشروع طرفین رابطه قانونی و معتبر از طریق قواعدی چون لزوم وفای به عهد، استاپل، سکوت، سوء استفاده از حقوق و انصاف دانست. اصول و قواعد مذکور هر یک بر پایه اصل حسن نیت قرار دارد و به عنوان جواب و جلوه‌های خاص این اصل مطرح می‌شود که در این بخش بررسی خواهد شد.

۱-۱- اصل حسن نیت و قاعده لزوم به وفای به عهد

یکی از جلوه‌های اصل حسن نیت در حقوق معاہدات، اجرای معاہده مبتنی بر این اصل است. به اعتقاد بسیاری قاعده لزوم وفای به عهد از این اصل نشأت گرفته و بر آن استوار است.^۲ قاعده مذکور نیز همانند حسن نیت یکی از قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل شناخته می‌شود که ریشه در مجموعه قوانین و مقررات رومی دارد و در حال حاضر نیز از مهم‌ترین قواعد در حقوق بین‌الملل عرفی و حقوق معاہدات محسوب می‌شود البته به اعتقاد برخی این قاعده منحصراً در ارتباط با حقوق معاہدات است.^۳ میان قاعده لزوم وفای به عهد و اصل حسن نیت ارتباط ناگسستنی وجود دارد.

در این خصوص دیوان دائمی داوری در یکی از آرای خود در سال ۱۹۱۰ مقرر داشت: هر دولتی باید تعهد ناشی از معاہده را با حسن نیت اجرا کند.^۴ حسن نیت موجب افزایش اعتماد طرفین قرارداد نسبت به این موضوع می‌شود که تعهدات توافق شده به اجرا گذاشته خواهد شد.

2. A/CN.4/SER.A/1964, Report of the International Law Commission, 16th Session, 727th meeting, 20 May 1964, op. cit., para.34, p. 29. A/CN.4/167 and Add.1-3, *International Law Commission*, Third Report on the Law of Treaties, op. cit., 8.

3. Hyland, Richard, "Pacta sunt servanda: A Meditation", *Virginia Journal of International Law* 34(1993-1994): 406.

4. The North Atlantic Coast Fisheries Case (Great Britain v. United States), *Reports of International Arbitration Awards*, 7 September(1910), vol. XI, 186

۱-۲- اصل حسن نیت و قاعده استاپل

یکی دیگر از جوانب و جلوه‌های اصل حسن نیت استاپل است که خود اصل کلی حقوقی و قاعده حقوقی بین‌الملل عرفی است، به معنای ساده و مختصر این اصل انکار بعد از اقرار است. اصل استاپل ریشه در حقوق کامن لا دارد و به طور اساسی به عنوان یک شیوه در آین دادرسی پذیرفته شده است. اگرچه استاپل با توجه به شرایط وضعیت استناد به آن، به شیوه‌های گوناگون به اجراء درمی‌آید. هدف اصلی اش این است که برای نمونه دولت (الف) را از انکار یک موضوع علیه دولت دیگر (ب) منوع می‌کند. اگر (۱) دولت (الف) به نحو صریح و روشن وجود آن وضعیت در حق دولت (ب) را ابراز کرده باشد. (۲) دولت (ب) با اتکا بر این موضوع که اظهارات دولت الف با حسن نیت بوده است، دیدگاه و موضع خود را تغییر داده باشد و (۳) اگر اظهارات دولت الف بی‌اساس و نادرست بود، دولت ب متهم آسیب و زیان شود. طبق اصل استاپل یک طرف اجازه ندارد که موضع حقوقی در تعارض با اظهارات یا رفتار سابق خود اتخاذ کند، زمانی که طرف دیگر به واسطه این عملکرد حقوقی را به دست آورده باشد یا تعهداتی را پذیرفته باشد. در این حالت طرفی که برخلاف رفتار و اظهارات گذشته خود عمل کرده است، حسن نیت را نقض کرده است.^۵

باید اشاره کرد که به طور کلی یکی از اهداف ایجاد اصل استاپل حمایت و حفاظت از انتظارات مشروع و معقولی است که به موجب قرارداد برای طرفین آن به وجود می‌آید در این حالت در واقع آن اعتماد و اطمینانی که به نحو معقول نسبت به اقدام دولت دیگر طرف قرارداد ایجاد شده است مورد حمایت قرار می‌گیرد و این امر یکی از مهمترین جوانب اصل حسن نیت است. حقوق دانان بسیاری از این دیدگاه حمایت کردند که استاپل بر پایه اصل حسن نیت قرار دارد. ارتباط میان این دورا به خوبی می‌توان در رأی دیوان در قضیه آزمایش‌های هسته‌ای مشاهده کرد. دیوان با قائل شدن به اثر الزام‌آور اعلامیه‌های یک جانبی فرانسه به نوعی مفهوم حسن نیت را به آن دسته از اعلامیه‌های دولتها که در گذشته قابل انکار در نظر گرفته می‌شد و در زمرة تعهدات الزام‌آور دولتها قرار نداشت توسعه داد.

در واقع دیدگاه دیوان دولتها را متوجه این موضوع کرده که نسبت به اظهارات کتبی و شفاهی خود مراقبت کند چراکه ممکن است با توجه به اصول حسن نیت و استاپل چنین اظهاراتی در آینده له یا علیه آنها مورد استناد قرار گیرد. در قضیه مرز زمینی و دریابی میان کامرون و نیجریه نیز به قاعده استاپل

5. Reinhold, Steven, "Good Faith in International Law", *UCL Journal of Law and Jurisprudence* 2013, 40-63

اشاره شده است، دیوان در رأی خود اشعار می‌دارد که استاپل تنها در صورتی قابل استناد است که اعمال یا اظهارات کامرون به نحو یکپارچه این موضوع را به طور کامل روشن ساخته باشد که این کشور در گذشته با حل و فصل اختلاف مطرح نزد دیوان از طریق راه حل‌های دوسویه موافقت کرده است. دیوان در ادامه بیان می‌کند که به علاوه ضروری است که نیجریه نیز با تکیه بر این دیدگاه کامرون موضع اش را نسبت به زیان واردہ به خود تغییر داده یا اینکه برخی لطمات و زیان‌ها را متتحمل شده باشد.^۶ شاید بهترین پرونده برای شناخت ابعاد استاپل و چگونگی ارتباط آن با اصل حسن نیت قضیه معبد پره ویهار باشد. دیوان در این قضیه با تکیه بر قواعد استاپل و سکوت، تلاش‌های تایلند را برای این کار آنچه در سال ۱۹۰۹ در ارتباط با ترسیم خطوط مرزی میان دو کشور و قرار گرفتن معبد در درون سرزمین کامبوج صورت گرفت، پذیرفت.^۷

از پرونده دیگر در ارتباط با استاپل و حسن نیت قضیه نیکاراگوئه علیه هندوراس می‌باشد. دیوان در خصوص تحديد حدود مناطق دریایی اعلام می‌دارد: نیکاراگوئه و هندوراس به عنوان کشورهای تازه استقلال یافته به اتکای اصل ثبات مرزها بر سرزمین‌های اصلی و سرزمین‌های جزیره‌ای و دریاهای سرزمینی که ایالات آنها را در زمان استقلال تشکیل می‌دادند، مالک بوده‌اند. با این همه دیوان قبلًا دریافته است که ممکن نیست تا حاکمیت بر جزایر مورد بحث را بر مبنای اصل ثبات مرزها تعیین نماید. ثابت نشده که پادشاهی اسپانیا صلاحیت دریایی اش را بین ایالات استعماری هندوراس و نیکاراگوئه در حدود محدودیت‌های دریایی سرزمینی تقسیم کرده باشد، اگرچه ممکن است پذیرفته شود که کلیه کشورهایی که به استقلال رسیده‌اند برخوردار از دریایی سرزمینی نیز هستند. واقعیت حقوقی تعیین نمی‌کند که تا کجا مرز دریایی بین دریاهای مجاور کشورهای همسایه امتداد خواهد یافت. با توجه به شرایط این قضیه، نمی‌توان گفت که اصل ثبات مرزها مبنای برای تقسیم دریایی در امتداد مدار پانزدهم قرار بگیرد.^۸

6. land and maritime boundary between cameroon and nigeria (cameroon v. nigeria). (preliminary objections) ICJ judgment of 11 june 1998.

در خصوص قاعده استاپل در رویه دیوان، نک:

North Sea Continental Shelf (Federal Republic of Germany/Netherlands), Judgment of 20 February 1969, ICJ, para.30/ Land, Island and Maritime Frontier Dispute (El Salvador/Honduras: Nicaragua Intervening), Judgment of 13 September 1990, ICJ, Application by Nicaragua for Permission to Intervene, para.63/ Aerial Incident of 10 August 1999 (Pakistan v. India), Judgment of 21 June 2000, ICJ, Jurisdiction of the Court, para.45.

7. Temple of Preah Vihear (Cambodia v. Thailand), merits, p. 27.

۸. محمد رضا ضیائی بیگدلی و دیگران، آراء و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، جلد ۴ (تهران: انتشارات دانشگاه

۱-۳- اصل حسن نیت و قاعده سکوت

یکی دیگر از جلوه‌های حسن نیت که تقریباً شbahت زیادی با استاپل دارد سکوت معنادار است. در تعریف این مفهوم این‌گونه بیان شده است: عدم اقدام یک دولت در برخورد با وضعیتی که حقوقش را در معرض نقض قرار داده یا اینکه نقض کرده باشد. به اعتقاد دیوان صرف‌نظر از وضعیتی که این دو مفهوم در حقوق بین‌الملل دارند هر دو از اصول بنیادین حسن نیت و انصاف ناشی می‌شوند. مهم‌ترین تقاضا میان این دو این است که وقوع استاپل منوط به وجود رفتار و اظهارات قبلی است در صورتی که سکوت این‌گونه نیست و حکایت از انتقال و عدم اقدام یکی از طرفین دارد. طبق اصل حسن نیت، سکوت برای مدت طولانی می‌تواند منتج به تعهد الزام‌آور شود چراکه در واقع این فرایند سکوت موجب می‌شود که انتظارات مشروعی در طرف مقابل ایجاد شود. در قضیه معبد پره و پهار، دیوان با این تقاضای تایلند مواجه شد که خطوط مرزی تعیین شده در سال ۱۹۰۷ به اشتباه ترسیم شده است.

دیوان در پاسخ اظهار داشت که مقامات تایلند در آن زمان نسبت به چگونگی خطوط مرزی تعیین شده اطلاع داشتند، اما هیچ اعتراضی نکرده و در سال‌های بعد نیز سکوت اختیار کردند که این امر، خود مانع از آن شده است که این کشور اکنون بتواند به آن خطوط مرزی اعتراض کند. اگر مقامات این کشور، قصد مخالفت با نقشه‌های تدوین شده را داشتند، ضروری بود که در دوره زمانی معقول به این امر اقدام می‌کردند، درحالی که سکوت کرده و هیچ اقدامی نکردند.

در قضیه شیلات (انگلستان علیه نروژ) نیز دیوان اصل سکوت را اعمال کرد، در این رأی دیوان در خصوص خطوط مبدأ اکنون روش ترسیم کرده مقرر داشت مقامات نروژ به طور مداوم این سیستم را اجرا کردند بدون اینکه با مخالفت دولتها روپرور شوند.^۹ در این قضیه انگلستان از وجود این سیستم و شیوه اجرایی آن آگاهی داشت ولی در طی مدت بیش از شصت سال به آن اعتراض نکردند در واقع در این قضیه عدم اعتراض انگلستان به سیستم خطوط مرزی اتخاذ شده از سوی نروژ سکوت در برابر اقدام صورت گرفته تلقی می‌شود و این امتناع از اعتراض برای مدت طولانی اجرای این سیستم توسط نروژ علیه انگلستان را توجیه‌پذیر کرده است. در قضایای مذکور و موارد مشابه حسن نیت از طریق استاپل و

علامه طباطبائی، (۱۳۹۴)، ۲۶۱-۲۶۲.

9. Fisheries (United Kingdom v. Norway), Judgment of 18 December 1951, ICJ, pp. 136-137.

در خصوص استناد به قاعده سکوت در روبه دیوان، نک:

Arbitral Award Made by the King of Spain on 23 December 1906 (Honduras v. Nicaragua), Judgment of 18 November 1960, ICJ, pp. 209-214..

سکوت به عنوان منبع تعهد عمل می‌کند، به واسطه حسن نیت و از طریق قواعدی همچون استنایل و سکوت موقعیت طرفین اختلاف تغییر کرده است بدین گونه که حق جدید برای یک طرف ایجاد شده و به طور همزمان تکلیف جدید برابر با آن حق برای طرف دیگر دعوا به وجود آمده است.

۱-۴- اصل حسن نیت و قاعده سوء استفاده از حقوق

سوء استفاده از حقوق به عنوان اصل کلی حقوقی و جزئی از حقوق بین‌الملل عرفی که ریشه در نظام‌های حقوقی داخلی دارد نیز بر حسن نیت بنا شده است.^{۱۰} این مفهوم به نحو گسترده‌ای در حوزه حقوق محیط زیست به ویژه در موضوع استفاده از منابع زیست‌محیطی مشترک مطرح است. بیان شده است که سوء استفاده از حق، زمانی اتفاق می‌افتد که یک دولت به شیوه‌ای حقوقش را به اجرا گذارد که به حقوق دولت دیگر تعدی کند و آن عمل دولت غیرمعقول و مبتنی بر شیوه دل‌بخواهانه، بدون توجه به انتظار مشروع دیگر صورت گرفته باشد. این اصل حقوقی اغلب در ارتباط با عنصر اختیار و قدرت تصمیم‌گیری‌ای که یک دولت در اعمال و اجرای حقوقش دارد، توصیف می‌شود به کارگیری چنین اختیاری به نحو غیرمعقول، سوء استفاده از حق تلقی می‌شود که می‌تواند موجب مسؤولیت بین‌المللی دولت شود. برخی اصل سوء استفاده از حقوق را معادل داشتن حسن نیت در اعمال و اجرای حقوق در نظر می‌گیرند و برخی دیگر از آن به عنوان مکمل حسن نیت یاد کرده و اظهار می‌دارند که این اصل آستانه‌ای را فراهم می‌کند که در آن فقدان حسن نیت نقض حقوق بین‌الملل را به دنبال دارد. همچنین بیان شده است که با توجه به اینکه دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی فرض را بر این می‌گذارند که دولتها با حسن نیت عمل می‌کنند، سوء استفاده از حقوق را می‌توان امaraهای بر این دانست که حسن نیت نقض شده است.

شاید مناقشه برانگیزترین حسن نیت در حقوق بین‌الملل منع سوء استفاده از حقوق باشد. جنبه سوء استفاده از حق و اعمال خودسرانه از حقوقی به هم نزدیک هستند و به وضوح قابل تشخیص نیستند. گفته می‌شود که سوء استفاده از حق زمانی رخ می‌دهد که یک دولت حقوق خود را به گونه‌ای اعمال کند که به حقوق دولت دیگر دست بزند و این عمل غیرمعقول است و به صورت دلخواه و بدون در نظر گرفتن انتظارات مشروع دولت دیگر پیگیری می‌شود، مبنایی که این رفتار را ممنوع می‌کند حسن نیت است. مبنایی که این رفتار را ممنوع می‌کند حسن نیت است. اگر دولتی قادر به اعمال اختیار باشد،

10. Byers, Michael, "Abuse of Rights: An Old Principle, A New Age", *McGill Law Journal* 47(2002); 389.

اعمال خودسرانه و غیرمعقول این اختیار به معنای سوء استفاده از حقوق است که یک دولت می‌تواند مسؤول بین‌المللی آن باشد.

به طورکای در حقوق بین‌الملل سوء استفاده از حقوق می‌تواند در سه وضعیت حقوقی متمایز مطرح شود: نخست جایی که اجرای حقوق یک دولت مانع بهره‌برداری دولت دیگر از حقوقش محسوب شود به گونه‌ای که نتیجه چنین اقدامی ایجاد خسارت به آن دولت باشد. مثال روشن در این خصوص به بهره‌برداری نامعقول و نادرست از منابع آبی مشترک است؛ دومین حالت بدین صورت است که حق از روی عمد و برای تحقق هدفی اعمال شود که متفاوت از هدفی است که آن حق برای آن ایجاد شده است و همچنین در نتیجه این اقدام خسارتی به دیگری وارد آید. مثال این حالت زمانی است که صلاحیت‌های اعطاشده به دولت عضو یا ارگان‌های یک سازمان به شیوه‌ای به اجرا درآید که به طورکلی متفاوت از چیزی باشد که قصد شده بود. مثال دیگر اینکه یک دولت از حق خود استفاده کند و در مرز میان خود و کشور دیگر ایستگاهها و باجه‌های گمرک ایجاد کند درحالی که این اقدام در تعارض با معاهده‌ای است که طبق آن چنین مناطق مرزی بدون وجود این ایستگاهها در نظر گرفته شده است.^{۱۱} در سومین و در آخرین حالت اینکه اجرای حقوق توسط یک دولت به طور دلخواه منجر به ورود خسارت و دولت دیگر شود بدون اینکه مشخص باشد که نقض حقوق افراد است مانند اتخاذ اقدامات قانونی اما غیرقابل توجهی نسبت به اتباع بیگانه شامل مواردی چون اخراج دلخواه آنها یا سلب مالکیت.^{۱۲} در نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه شرایط پذیرش یک دولت به عضویت در سازمان ملل متحده به نوعی به ارتباط با این دو اصل اشاره شده است. دیوان استدلال کرد که دولت رأی دهنده نمی‌تواند رضایت خود به پذیرش دولت جدید به عضویت ملل متحده را منوط به تحقق شرایطی کند که به صراحة در بند یک ماده ۴ منشور نیامده است.^{۱۳} نکته مهم این نظریه مشورتی این است که دیوان به نوعی بر اساس مفهوم سوء استفاده از حق درحالی که در اختیار و صلاحیت اول رأی دهنده برای تصمیم‌گیری در خصوص موضوع مذکور مهر تأیید زده شد این اختیار را با شرایط مندرج در ماده ۴ محدود و منحصر کرد. در خصوص ارتباط این پرونده با موضوع حسن نیت می‌توان بیان داشت که همه قضاط دیوان اتفاق نظر داشتنند که اختیار تصمیم‌گیری که جزء ذاتی حق رعیت می‌باشد بر پایه عدالت

11. Andrew D. Mitchell, "Good Faith in WTO Dispute Settlement", *Melbourne Journal of International Law* 7(2006), 340-373, 350.

12. Alexandre, 1.

13. Advisory Opinion, Conditions of Admission of a State to Membership in the United Nations (Article 4 of the Charter), 28 May 1948, ICJ, p. 65

و با حسن نیت باشد.^{۱۴} ارتباط میان این دو اصل را می‌توان در ماده ۳۰۰ کنوانسیون بین‌المللی حقوق دریاها^{۱۵} نیز مشاهده کرد.

دو مورد نحوه سوء استفاده از حقوق بین کشورهای همسایه را نشان می‌دهد. داوری ذوب آهن دنباله‌دار با بخارات و آلودگی هوا ناشی از یک کارخانه ذوب کانادا واقع در مرز ایالت واشنگتن ایالات متحده برخورد کرد.^{۱۶} در پرونده پالپ میلز، دیوان بین‌المللی دادگستری باید در مورد پرونده‌ای که آرژانتین علیه اروگوئه مطرح کرده بود تصمیم‌گیری کند. در اینجا یک کارخانه تولید خمیر کاغذ در سواحل رودخانه مشترک اروگوئه ساخته شده است که آلودگی ایجاد می‌کند و بر استفاده آرژانتین از این رودخانه تأثیر می‌گذارد.^{۱۷} در هر دو مورد، دولت یک کارخانه صنعتی (دولت در حال استفاده) احداث کرده یا در حال برنامه‌ریزی برای ساخت آن است که می‌تواند تا حدودی خسارات زیست‌محیطی را به سرزمین همسایه وارد کند. هر دو تحول منوط به معاہدات بین‌المللی بود که تعهداتی را که دولت‌ها در قبال تعهدات خود داشتند بیان می‌کرد.^{۱۸}

حاکمیت ارضی یک کشور امکان بهره‌برداری از منابع طبیعی آن را فراهم می‌آورد. با این حال، این حق زمانی محدود می‌شود که حقوق دولت دیگری در خطر باشد. موارد هر دو بر اقدام متعادل‌کننده‌ای که توسط دولت استفاده‌کننده انجام می‌شود، متمرکز شده است. چنگ^{۱۹} این را «وابستگی متقابل» حقوق می‌نامد: «هر حقی مشروط به محدودیت‌هایی است که لازم است برای تطبیق آن با تعهدات قراردادی طرف و تعهدات وی بر اساس قوانین عمومی لازم باشد.»^{۲۰} اگر دولت استفاده‌کننده از منابع خود به گونه‌ای استفاده کند که مناسب باشد تا دولت همسایه را از حق خود محروم کند، ممکن است سوء استفاده از دولت توسط دولت استفاده شود. با این حال، سوء استفاده از حقوق مستلزم وجود برخی عناصر سوء حسن نیت است، به عنوان مثال وقتی خسارت ناشی از دولت استفاده‌کننده بیشتر از سود خود باشد؛

14. Conditions of Admission of A State to Membership in the United Nations (Article 4 of the Charter), op. cit., 63. /Individual Opinion by M. Alvarez, p. 71.

15. Trail Smelter Arbitration (n 55) 1905-1982; see Russell A Miller, ‘Trail Smelter Arbitration’ in MPEPIL (May 2007, online edn) para 2 f, available at www.mpepil.com; cf Lowe (n 51) 240.

16. Case concerning Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v Uruguay) (Merits) [2010] ICJ Rep 18, para 14; Paula Maria Vernet, ‘Pulp Mills on the River Uruguay’ in MPEPIL (July 2010, online edn) para 7 f, available at www.mpepil.com.

۱۷. اعظم انصاری و محمد مهدی حاجیان، «اعمال اصول کلی حقوقی در حل و فصل دعاوی اعضای سازمان تجارت جهانی»، پژوهش حقوق خصوصی ۲(۷)، ۱۳۹۳.

18. cheng

19. 3 Cheng (n 5) 130.

بنابراین، گفته می‌شود که وظیفه‌ای بر اساس حسن نیت وجود دارد، اما در آستانه سوء استفاده از حقوق تا حدی که یک دولت فقط می‌تواند از حق مطلق به نحوی استفاده کند که به دیگری آسیب نرساند. هر دو قضاوت همچنین به طور گستردۀ به وظیفه مذاکره درباره آثار تولید صنعتی پرداخته‌اند.

۱-۵- اصل حسن نیت و انصاف

نقش انصاف و راحل‌های مبتنی بر انصاف و ارتباط آن با حسن نیت را باید از دیرزمان در حقوق رم تاکنون در اکثر سیستم‌های حقوقی مورد توجه جدی قرار داد. از گذشته تاکنون ضرورت تعديل قواعد و راحل‌های حقوقی صرف در سیستم‌های حقوقی پذیرفته شده است و لو اینکه صریحاً آن را تحت عنوان یک اصل و دکترین و ... نپذیرفته باشد. در حقوق رم مشابه حقوق انگلیس از طریق اقدامات صورت گرفته توسط مأموران مسؤول، اجرای عدالت بر محدودیت‌های سیستم‌های حقوقی پذیرفته شده است. باید راهکارهایی وجود داشته باشد تا قواعد و اصول حقوقی به نتیجه غیرعادلانه و برخلاف انصاف نیانجامد. از همین منظر است که می‌توان گفت کمتر سیستم حقوقی می‌توان یافت که رسیدگی شکلی غلبه و تفوق حاصل گردد. از سوی دیگر در بسیاری موارد بحث از حسن نیت و انصاف به‌گونه‌ای مطرح شده است که مستنبط از آن نزدیکی کامل و عمیق این دو مفهوم است و اینکه این دو عنوان قرین یکدیگرند. این تعبیر که مناسب به یکی از شارحین حقوق رم است قابل توجه است که: «حسن نیتی که در قراردادها الزامی است بالاترین درجه انصاف را فرامی‌خواند و یا گفته شده است که: این منصفانه است که حسن نیت در قراردادها لحاظ گردد. در هر حال تعبیری از این دست چه در متون قدیمی چه در منابع فعلی که مؤید مدعای فوق است بسیار است.

۲- رابطه حسن نیت با حاکمیت

از نظر تاریخی، اصل حاکمیت داخلی به عنوان مقام برتر یا قدرت نهایی یک دولت در قلمرو آن شناخته شده است در حالی که حاکمیت خارجی ابعادی است که به حقوق و وظایف بین‌المللی یک دولت در رابطه با سایر کشورها مربوط می‌شود.^{۲۰} در سال ۱۹۲۷، دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی^{۲۱} اصل لتوس را

20. The Island of Palmas case (United States of America v Netherlands) (Award) [1928] II RIAA 838 f (Op. Huber); Besson (n 107) para 70; Ronald Brand, ‘Sovereignty: The State, the Individual, and the International Legal System in the Twenty First Century’ (2001) 25 Hastings Intl & Comp L Rev 279, 284

21. PCIJ

توسعه داد: بر اساس حاکمیت خود، یک دولت آزاد است تا زمانی که این رفتار توسط یک قاعده صریح حقوق بین‌الملل ممنوع نباشد، عمل کند.^{۲۲} اینکه آیا این حاکمیت به عنوان محدود یا مطلق، این توافق وجود دارد که دولتها باید به قوانینی که آنها را در اعمال حاکمیت خود محدود می‌کند، رضایت دهند.^{۲۳} بنابراین رفتار حسن نیت نه به عنوان منبع حقوق یا تعهدات، بلکه بیشتر به عنوان وسیله‌ای برای هدایت اعمال این حقوق یا تعهدات عمل می‌کند. به جای پاسخگویی به تعهداتی که بر عهده دولت گذاشته شده است و یا اینکه چرا اثرات قانونی برای دولت ایجاد می‌کند، اصل حسن نیت (و مفاهیم خاص آن اصل که در بالا مورد بحث قرار گرفت) می‌تواند رفتار یک دولت را در مورد چگونگی حقوق ذاتی و تعهدات اعمال کند، این باید محدودیتی برای حاکمیت دولت تلقی شود.^{۲۴} در مورد پایبندی به روابط معاهده، محدودیت حاکمیت کمتر بحث برانگیز است، زیرا ماهیت الزام‌آور این معاهده منوط به رضایت دولت بوده است. دیوان دائمی داوری^{۲۵} در این مورد اعلام کرده است که: «طبق اصل حقوق بین‌الملل، تعهدات معاهده باید با حسن نیت کامل اجرا شود، بنابراین حق قانونگذاری در مورد موارد مورد نظر را محروم نمی‌کند. موضوع معاهده و محدود کردن اعمال حاکمیت دولت متعهد به یک معاهده در رابطه با آن موضوع به اقدامات مطابق با معاهده».^{۲۶}

۱-۲- تشکیل معاهده و عنصر حسن نیت در ماده ۱۸ VCLT

از امضای (اما قبل از تصویب) معاهده، یک طرف موظف به رعایت مفاد معاهده است. اگر اقدامی پس از امضا انجام شود که این تعهد را نقض می‌کند، متکی بر حسن نیت متقابل می‌تواند به طرف معاهده دیگر اجازه دهد که معاهده را رد کرده یا برای هرگونه کاهش ارزش، غرامت مطالبه کند. عنصر حسن نیت در تشکیل معاهده عبارت است از: ماده ۱۸ از انتظارات مشروع سایر شرکت‌کنندگان در فرایند انعقاد معاهده محافظت می‌کند و بنابراین بر حسن نیت استوار است. اینکه آیا دولت امضایکننده این پیمان را

22. Case of the SS Lotus (n 109) 25 f; Armin v Bogdandy and Markus Rau, ‘The Lotus’ in MPEPIL (June 2006, online edn) paras 9-10, available at www.mpepil.com.

23. Cf American Law Institute, Restatement of the Law Third, Foreign Relations Law of the United States (St. Paul, 1987) 17 introductory note

24. Lukashuk, (n 47) 513, 514, who makes the point that the assumption of obligations can be seen to limit sovereignty, even though undertaking is a realisation of sovereignty; in terms of good faith, the limits placed on the exercise can only be seen to limit a State's actions, absent an express rule in international law.

25. PCA

26. The North Atlantic Coast Fisheries Case (Great Britain v United States of America) (Award) [1910] XI RIAA 169, para 188.

تصویب کرده یا نه، یک امر تشخیصی است. با این حال، عمل مبتنی بر رضایت برای قرار دادن امضا بر معاهده ممکن است باعث کاهش این اختیار شود، به طوری که یک دولت نمی‌تواند از متن امضا شده برای اهداف خود با سوء استفاده از اختیار ذاتی خود برای تصویب سوء استفاده کند.^{۲۷}

اگرچه در مورد اینکه آیا ماده ۱۸ VCLT حقوق بین‌الملل عرفی را منعکس می‌کند، اختلاف نظر وجود دارد، دادگاه‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی به این قاعده توجه کرده‌اند^{۲۸} (حتی قبل از لازم‌الاجرا شدن VCLT. PCIJ اساس قضاوت خود را در مورد برخی از منافع آلمان در سیلیسیا فوقانی قرار داد. این پرونده به نقض حسن نیت از سوی آلمان مبنی بر بیگانگی از اموال خاصی در سیلیسیا^{۲۹} (به عنوان بخشی از معاهده ورسای)، قبل از لازم‌الاجرا شدن آن، مربوط می‌شد. تصور شد که حتی اگر حقایق پرونده مورد نظر متفاوت باشد، آلمان ممکن است برخلاف اصل حسن نیت عمل نکند. سوء استفاده از حقوق خود برای بیگانگی اموال خود می‌تواند به منزله نقض تعهدات معاهده‌ای باشد. دیوان داوری یونان و ترکیه در استناد به حسن نیت به عنوان پایه‌ای برای شکست دادن هدف و هدف یک معاهده نوا، صریح‌تر بود: «با امضا یک قرارداد و قبل از ورود آن به قوت، [...] تعهدی برای انجام هیچ کاری که ممکن است با کاهش اهمیت تعهدات آن [...] این اصطلاح مهم ایجاد کند، وجود دارد... [...]»^{۳۰} در عمل مدرن، این امر توسط دیوان عدالت تأیید شد. اتحادیه اروپا^{۳۱} در اوپل اتریش علیه شورای اروپا. این دادگاه، پس از تأیید اینکه حسن نیت بخشی از حقوق اتحادیه اروپا است، اظهار داشت که اصل حقوقی اروپایی «انتظارات مشروع» نتیجه این اصل کلی است. این نشان می‌دهد که حسن نیت از نظر حقوق بین‌الملل عرفی منطقه‌ای نیز برخوردار شده است (حداقل به عنوان بخشی از قوانین اتحادیه اروپا)^{۳۲}

27. JM Jones, Full Powers and Ratification: A study of the development of treaty-making procedure, (CUP 1946) 89; Hassan (n 54) 462.

28. Laurence Boisson de Chazournes, Anne-Marie La Rosa and Makane Moïse Mbengue in Olivier Corten and Pierre Klein (eds) *The Vienna Convention on the Law of Treaties: A Commentary* (OUP 2011), Art 18 para 5; Oliver Dörr (n 118) Art 18 para 5; Morvay (n 118) 458 albeit reluctantly states that it conforms to general international law.

29. Silesia

30. Megalidis v Turkey 8 TAM 395 (cited in Cheng (n 5) 111).

31. CJEU

32. Jan Wouters and Dries Van Eeckhoutte, "Giving Effect to Customary International Law through EC Law" KU Leuven Faculty of Law Working Paper 25/2002, 27, available at <http://www.law.kuleuven.be/iir/nl/onderzoek/wp/WP25e.pdf>.

۲-۲- انجام تعهدات معاہده با حسن نیت (Mاده ۲۶ VCLT)

ماده ۲۶ VCLT، با تمام اختصار، هنوز در اجرای تعهد معاہده‌ای اهمیت فوق العاده در حسن نیت دارد. دو عنصر این تعهد را تشکیل می‌دهند: تعیین هدف (معاہده) که باید با حسن نیت انجام شود و همچنین نحوه انجام تعهد. وظیفه مادی برای حسن نیت در حین اجرای یک معاہده توسط والدوك در گزارش ILC به عنوان «یکی از حسن نیت و نه سخت‌گیرانه» بیان شده است.^{۳۳} این نشان می‌دهد که هدف و قصد طرفین مهم‌تر از آن است که به معنای واقعی کلمه معاہده باشد. یک معاہده باید انجام شود با در نظر گرفتن اهداف طرفین، به جای اینکه به دنبال درک رسمی از این عبارت باشید. از آنجاکه عنصر حسن نیت دوباره وابسته به زمینه است، وظیفه باید در مورد جزئیات خاص یک پرونده اعمال شود. گفته شده است که عناصری از اصول کلی حقوق که مربوط به سوء استفاده از حق، استاپل و سایر جنبه‌های حسن نیت است، ممکن است کاربردی مشابه برای اجرای تعهدات معاہده پیدا کند.

۳-۲- حسن نیت در تفسیر معاہده‌ات

ماده ۳۱ VCLT می‌گوید که «[یک] معاہده باید با حسن نیت تفسیر شود. مطابق با معنای معمولی.» با توجه به اینکه تعهد در ماده ۲۶ VCLT در کل فرایند اعمال می‌شود، تفسیر معاہده تقاضی ندارد. طرح دقیق نحوه تفسیر یک معاہده با حسن نیت دشوار است، اما هنگامی که عنصری از تفسیر پیش‌رفت می‌کند، «معقول بودن» باید ذاتی باشد. اینها دارای حسن نیت هستند. به عنوان وسیله‌ای برای تفسیر، افکت یوتایل^{۳۴} به گسترش معنای کلمه به معنای واقعی آن کمک می‌کند، زیرا باید به «منظور طرفین هنگام استفاده از این کلمات» توجه کرد.^{۳۵}

این اصل از VCLT کنار گذاشته شد، زیرا می‌ترسیدند که این راه را به یک تفسیر غاییت‌شناسی قوی باز کند که می‌تواند منجر به خواندن قدرت‌های نانوشته (ضممنی) در معاہدات شود. با این حال، بر اساس هدف و هدف یک معاہده و تفسیر حسن نیت از آن، می‌توان به ساخت مطلوب یک معاہده برای حفظ پیمان به جای تخریب آن^{۳۶} دست یافت. در بیشتر موارد این نیز با آن هماهنگ خواهد بود چراکه انتظارات طرفین امضاکننده راهی برای تفسیر است. معاہدات با توصل به حسن نیت معنای عادی

33. ILC, Yearbook of the International Law Commission Vol. II (1964) A/CN.4/SER.A/1964/ADD.1 7.

34. Effet Utile

35. Case concerning the Arbitral Award of 31 July 1989 (Guinea-Bissau v Senegal) (Merits) [1991] ICJ Rep 69 f, citing the Admissions Advisory Opinion (n 65) 8; Gardiner (n 132) 159 f

36. ut res magis valeat quam pereat

معاهده و ممنوعیت ایجاد تعهدات اضافی، تفسیر را محدود می‌کند.^{۳۷} رویکردی که در عمل قضایی نشان داده شده است، واژه‌های مبهم را روشن می‌کند، اما به عنوان یک وظیفه پرکننده شکاف به منظور ایجاد تعهدات جدید عمل نمی‌کند. این طرف با پیشبرد تفسیری که تعهداتی را برای طرف دیگر اضافه می‌کند (ایجاد می‌کند) که در قالب عبارت معاهده در نظر گرفته نشده یا شامل آن نمی‌شود، با بی‌اعتمادی عمل می‌کند. حتی اگر یک عنصر بی‌تردد حسن نیت وجود داشته باشد تفسیر موافقتنامه‌های بین‌المللی، دیوان بین‌المللی دادگستری^{۳۸} هنوز معاهده‌ای را صرفاً بر اساس حسن نیت تفسیر نکرده است؛ بنابراین، ارائه می‌شود که در حالی که دیوان بین‌المللی دادگستری بدون شک دارای یک قانون تفسیری خوب است که می‌تواند از آن استفاده کند، اصل حسن نیت همچنین هنگام تفسیر معاهده از ماهیت بین‌المللی برخوردار است. در این راستا، به عنوان یک اصل وامده‌ی بدون تحمیل تعهدات خاص یا ایجاد وسیله خاصی برای ایجاد یک معاهده تنها بر اساس حسن نیت عمل می‌کند.^{۳۹}

۳- حسن نیت در مذاکرات

انجام مذاکرات با حسن نیت به عنوان قاعده بین‌المللی و در برخی موارد پیش‌شرط لازم برای انعقاد معاهده یا انجام توافق است. مذاکره با حسن نیت را می‌توان به معنای انجام مذاکره به شیوه‌ای دانست که به احتمال زیاد منتشر و توافق خواهد شد به عبارت دیگر می‌توان این‌گونه بیان داشت که هر یک از طرفین باید با تمایل صادقانه و واقعی وارد فرآیند مذاکره شده و با هدف دستیابی به زمینه‌های مشترک و انجام توافق تلاش جدی کنند.^{۴۰} درخواست انجام مذاکرات با حسن نیت در رویه قضایی بین‌المللی تأکید شده است و در عرصه عمل فراوان پیش آمده که طرفین مذاکره یکدیگر را به نداشتن حسن نیت متهم کردن. برای مثال در جریان مذاکرات کمپ دیوید در خصوص فرایند صلح خاورمیانه در ژوئیه سال ۲۰۰۰ ایهود باراک^{۴۱} نخست وزیر اسبق اسرائیل در نامه‌ای به کلینتون رئیس جمهور آمریکا بیان کرده

37. Interpretation of Peace Treaties (n 134) 226-230; Oliver Dörr in Dörr and Schmalenbach (n 118) Art 31 para 58; Matthias Herdegen, ‘Interpretation in International Law’ in MPEPIL (February 2010, online edn) para 30, available at www.mpepil.com.

38. ICI

۳۹. عقیل محمدی و حمید الهوی نظری، «تحلیل ابعاد اصل حسن نیت در حقوق بین‌الملل در پرتو رویه قضایی»، مجله حقوقی بین‌المللی ۱۳۹۴(۵۳)، ۱۰۸.

40. Barry O'Neill, , “What Does It Mean for Nations to ‘Negotiate in Good Faith?’”, Center for International Security and Cooperation Stanford University, March 2001, p. 2, 5

41. Ehud Barak

که یاسر عرفات به دنبال انجام مذاکره با حسن نیت نبود که البته در واکنش به این اظهارات نماینده فلسطین در واشنگتن نیز اسرائیل را به داشتن سوء نیت در مذاکرات برای کسب منافع بیشتر متهم کرد. سازمان ملل متحد به طور خاص شورای امنیت نیز در موارد متعددی در موضوع حل و فصل اختلافات بین‌المللی از طرفین اختلاف خواست که با حسن نیت مذاکره کنند. برای مثال این نهاد در ۱۲ ژانویه سال ۲۰۰۱ از یوگسلاوی و کرواسی خواست که در خصوص اختلاف خود بر سر شبه‌جزیره پریولا کا^{۴۲} با حسن نیت مذاکره کنند.

بسیاری از معاهدات در سطح بین‌المللی نیز طرفین را ملزم کردند که ابتدا اختلافات خود را مورد اجرای ماده واحده از طریق انجام مذاکرات با حسن نیت حل و فصل کنند. بازترین نمونه در این خصوص معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است که در ماده ۶ خود مقرر می‌دارد هر یک از اعضای این پیمان متعهد می‌شود که با حسن نیت مذاکرات ناظر به اقدامات مؤثر جهت توقف هرچه زودتر مسابقه هسته‌ای و خلع سلاح هسته‌ای و انعقاد پیمان خلع سلاح و کامل تحت کنترل سخت مؤثر بین‌المللی تغییر کند.^{۴۳}

بسیاری از دادگاه‌های بین‌المللی از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری به عناصر و ارکان بنیادین و ضروری مذاکره با حسن نیت اشاره کرده‌اند. که عبارتند از هدفمند بودن مذاکرات، پیروی از شرایط و مقتضیات زمانی و آین نامه‌ای.

در ارتباط با عنصر نخست یعنی هدفمند بودن مذاکرات رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایای فلات قاره دریای شمال روشنگر است دیوان در این رأی اشاره به تعهد طرفین به انجام مذاکره منظور حل و فصل اختلافات و رسیدن به توافق این نکته را بیان می‌کند که چنین تعهدی صرفاً تعهد به ورود به فرآیند رسمی مذاکره نیست. آنها ملزم هستند به گونه‌ای عمل کنند که مذاکرات هدفمند باشد که این امر در صورتی که هر یک از طرفین بر موضع خود بدون انجام هرگونه اصلاح در آن پاشاری کنند محقق نخواهد شد.^{۴۴}

دیوان در قضیه صلاحیت ماهیگیری (انگلستان و ایرلند شمالی علیه ایسلند) نیز به مذاکرات هدفمند اشاره دارد. در این رأی دیوان مناسبترین شیوه برای حل و فصل اختلاف میان طرفین را مذاکره هدفمند دانسته است؛ مذاکره‌ای که باید با حسن نیت و به منظور تحقق اهدافی همچون تحدید

42. Yulaka feather

43. Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons (NPT), 1968, Art. 6

44. North Sea Continental Shelf (Federal Republic of Germany/Netherlands), op. cit., para. 85 (a).

حقوق و منافع طرفین و غیره صورت گیرد.^{۴۵}

موضوع دیگری که باید در مذاکرات مورد توجه قرار گیرد انطباق با شرایط زمانی و آیین‌نامه‌های است. بدین معنا که دولت نباید به نحوه غیرقابل توجیه انجام مذاکره یا پذیرش موافقت‌نامه را به تأخیر اندازد. دیوان داوری در پرونده امین اویل انجام مذاکره بدون تأخیر و به شکل پایدار در دوره زمانی مناسب با اوضاع و احوال را نشانه حسن نیت می‌دارد.

قاضی هیگینز در نظریه جداگانه خود در قضیه آثار حقوقی ساخت دیوار حائل در سرزمین اشغالی فلسطین از تعهد طرفین اختلاف رعایت شیوه عملکرد مورد توافق به عنوان پیش‌شرط حل و فصل اختلاف و گام برداشتن به سمت جلو به طور همزمان یاد می‌کند.^{۴۶} توجه به این عنصر در مذاکرات به خوبی در رأی داوری دریاچه لانوکس اشاره شده است. دیوان در این رأی ایجاد تأخیر غیرطبیعی در فرآیند مذاکره و عدم توجه به شیوه و طرز عملکرد در مذاکرات را که مورد توافق طرفین قرار گرفته است به نوعی نقض اصل حسن نیت می‌دارد.

یکی دیگر از عناصر مذاکره با حسن نیت این است که طرفین انعطاف‌پذیر بوده و برای رسیدن به موفقیت به طور موقت نسبت به تعلیق حقوق خود در زمان مذاکرات رضایت دهنده. دیوان داوری در قضیه دریاچه لانوکس به این موضوع اشاره کرده است. دیوان اشعار می‌دارد برای انجام مذاکره در شرایط مطلوب و مناسب طرفین اختلاف باید با تعلیق اجرای کامل حقوق خود در طی دوره مذاکرات موافقت کنند. به نظر می‌رسد که این دیدگاه دیوان راهکار مناسبی برای انجام مذاکره بر پایه حسن نیت است. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی صلاحیت ماهیگیری از طرف می‌خواهد که ضمن رعایت حسن نیت و توجه به مقوله حقوق قانون با یکدیگر مذاکره کنند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله با بررسی جلوه‌های خاص اصل حسن نیت در حقوق بین‌الملل تلاش شد تا نقش و جایگاه این اصل در حقوق بین‌الملل تبیین شود. حسن نیت بر کل نظم حقوقی بین‌المللی سایه افکنده است و به طور خاص در ارتباط با دولتها، سوای معاہدات و دیگر موافقت‌نامه‌های این بازیگر و تابع بین‌المللی، بر اجرای کلی تعهدات آنها به موجب حقوق بین‌الملل حکم فرما است. اصل حسن نیت از انتظارات

45. Fisheries Jurisdiction (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. Iceland), Judgment of 25 July 1974, ICJ, paras. 73-75, 78.

46. Advisory Opinion, Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, 9 July 2004, ICJ, Separate Opinion of Judge Higgins, para. 18.

مشروعی که رابطه قانونی میان دو یا چند تابع حقوق ایجاد می‌کند، حمایت می‌کند و این نقش را از طریق قواعد و اصول بین‌المللی ایفا می‌کند. اصول حقوق بین‌الملل، زمانی که در پرتو حسن نیت دیده شود، معنا و مفهوم روش‌تری پیدا می‌کند که ثمره آن، نمود برجسته‌تر عقلانیت و غایتگرایی آرمان خواهانه و تسهیل تحقق عدالت است.

در حقوق بین‌الملل، قواعد مشخصی در فرایندهای تفسیری شکل گرفته و امروز به عنوان قواعد شناخته شده حقوق بین‌الملل در دعاوی بین‌المللی مختلف اعمال می‌شود مانند حسن نیت و جلوه‌های مختلف آن چون وفای به عهد، استاپل، انصاف و سکوت. این قواعد با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مفهومی حسن نیت در رویه قضایی بین‌المللی تبیین و تثبیت شده است که هر یک از قواعد مذکور بر پایه حسن نیت بنا شده است. یکی از اهداف طراحان اساسنامه سابق و فعلی دیوان از تدوین بند (ج) ماده ۳۸ اساسنامه، گریز از صادر نکردن رأی به دلیل سکوت و یا فقدان قاعده بوده است. به گونه‌ای که دیوان اختیار دارد تا افزون بر معاهدات و عرف‌های بین‌المللی، اصول کلی حقوقی (حسن نیت) پذیرفته شده نزد ملل متمدن را نیز اعمال نماید. هنگامی که دیوان در بخش اجرایی رأی مربوط به سلاح‌های هسته‌ای و پس از صرف ماهها وقت به این نتیجه می‌رسد که در خصوص استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در شرایط حاد و برای دفاع از خود در شرایطی که کشور در خطر است، حقوق بین‌الملل و در نتیجه دیوان حرفي برای گفتن ندارد، این موضوع سبب انتقاد برخی از قضاة می‌شود.

تجزیه و تحلیل رویه دیوان دائمی و دیوان بین‌المللی دادگستری در حل و فصل اختلافات بین‌المللی و استناد این مراجع قضایی به حسن نیت نشان می‌دهد که جلوه‌های حسن نیت، حق و عدالت در حقوق بین‌الملل ظهور و بروز روزافزون پیدا کرده است. اصل حسن نیت یکی از اصول کلی حقوقی است که مطابق ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان بخشی از حوزه بین‌الملل، قابل اجرا و اعمال است. در همین راستا است که دیوان و سایر مراجع قضایی بین‌المللی در دعاوی مختلف چون قضیه پره و بهار، قضیه خلیج ماین، قضیه کارخانه کورزووف، قضیه وام‌های صربستان و قضیه گرینلند شرقی وغیره به اصل حسن نیت و جلوه‌های آن در حل و فصل اختلافات بین‌المللی در آرای صادره به آن استناد کرده است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

- کتابیون حسین‌نژاد، عبدالله عابدینی، علیرضا ابراهیم‌گل، محمدرضا ضیائی‌بیگدلی، پوریا عسکری، مژگان رامین‌نیا، محمود گلستانی، محسن روزبهان، محمد ستایش‌پور، هاجر سیاه‌رسنمی. آراء و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری. ج ۱، ۲، ۳، ۴. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۲.

- فلسفی، هدایت الله. حقوق بین‌الملل معاهدات. تهران: فرهنگ نشرنو. سی و هشت، پیشگفتار، ۱۳۹۱.
مقالات

- انصاری، اعظم و محمد مهدی حاجیان. «اعمال اصول کلی حقوقی در حل و فصل دعاوی اعضای سازمان تجارت جهانی»، پژوهش حقوق خصوصی ۷(۲) (۱۳۹۲): ۲۶-۱.

- باریکلو، علیرضا و سید علی خزایی. «اصل حسن نیت و پیامدهای آن در دوره پیش قراردادی؛ با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس و فرانسه». مجله حقوقی دادگستری علمی پژوهشی ۷۶ (۱۳۹۰): ۵۳-۸۷.

- باقر زاده، رضوان. جایگاه و رویه انصاف در دیوان بین‌المللی دادگستری. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.

- محمدی، عقیل و حمید الهوی نظری. «تحلیل ابعاد اصل حسن نیت در حقوق بین‌الملل در پرتو رویه قضایی». مجله حقوقی بین‌المللی، ۵۳(۱۳۹۴): ۹۹-۱۲۶.

ب) منابع خارجی

Book

- A/CN.4/SER.A/1964, Report of the International Law Commission Covering Its 16th Session, Yearbook of the International Law Commission (11 May-24 July 1964), vol. I.

- Antonopolous. Constantine, counterclaims before international court of justice. Hague: T.M.C. Asser Press, 2011.

- Bowett, D. W., "Estoppel before International Tribunals and Its Relation to Acquiescence". *Brit. Y bInt'l L*, 176 (1957).

- Cheng, Bin. General Principles of Law as Applied by International Courts and Tribunals. Cambridge: Cambridge University Press, 1987.

- Gordley(James). Good Faith in Contract Law in the Medieval ius commune, in : Zimmermann and Whittaker (eds), Good Faith in European Contract Law, Cambridge University press, 2004.

- International Law Commission (ILC), A/CN.4/SER.A/1963/ADD.1, Yearbook of the International Law Commission, Documents of the fifteenth session, vol. 2, 1963.

- International Law Commission (ILC), A/CN.4/63, Yearbook of the International Law Commission, Documents of the fifth session, vol. 2, 1953.

- Lauterpacht, Hersch. Oppenheim's International Law, (8th edn, Longmans 1955) 263; Crawford (n 1) 449.

- Mac Gibbon, I. C, "Scope of Acquiescence in International Law", *British Yearbook of*

International Law 43(1954).

- Shaw, Malcolm N. *International Law*. Cambridge: Cambridge University Press, 6th ed., 2008.

- Villiger, Mark E. *Commentary on the 1969 Vienna Convention on the Law of Treaties*. Martinus Nijhoff Publishers, 2009.

Article

- Byers, Michael. "Abuse of Rights: An Old Principle, A New Age", *McGill Law Journal* 47(2002): 389-434.

- Hyland, Richard. "Pacta sunt servanda: A Meditation", *Virginia Journal of International Law* 34(1993-1994): 405- 433.

- Mitchell, Andrew D. "Good Faith in WTO Dispute Settlement", *Melbourne Journal of International Law* 7(2006): 340-373.

- Powers, Paul J. "Defining the Indefinable: Good Faith and the United Nations Convention on the Contracts for the International Sale of Goods", *Journal of Law and Commerce* 18(1999): 333-353.

- Reinhold, Steven Good Faith in International Law, *UCL Journal of Law and Jurisprudence* 2013, 40-63

- Ronald Brand, 'Sovereignty: The State, the Individual, and the International Legal System in the Twenty First Century' (2001) 25 Hastings Intl & Comp L Rev 279, 284.

- Shany, Yuval. "Towards a General Margin of Appreciation Doctrine in International Law?", *EJIL* 16(2005), 907, 920

- Van Alstine, Michael P, "The Death of Good Faith in Treaty Jurisprudence and a Call for Resurrection", *The Georgetown Law Journal* 93(2005): 1885-1945.

- Wouters, Jan and Dries Van Eeckhoutte, "Giving Effect to Customary International Law through EC Law" KU Leuven Faculty of Law Working Paper 25/2002, 27, available at <http://www.law.kuleuven.be/iir/nl/onderzoek/wp/WP25e.pdf>.

Internet Sources

- Case of the SS Lotus (n 109) 25 f; Armin v Bogdandy and Markus Rau, 'The Lotus' in MPEPIL (June 2006, online edn) paras 9-10, available at www.mpepil.com.

- Case of the SS Lotus (n 109) 25 f; Armin v Bogdandy and Markus Rau, 'The Lotus' in MPEPIL (June 2006, online edn) paras 9-10, available at www.mpepil.com

- Interpretation of Peace Treaties (n 134) 226-230; Oliver Dörr in Dörr and Schmalenbach (n 118) Art 31 para 58; Matthias Herdegen, 'Interpretation in International Law' in MPEPIL (February 2010, online edn) para 30, available at: www.mpepil.com

- O'Neill, Barry, "What Does It Mean for Nations to 'Negotiate in Good Faith'?", Center for International Security and Cooperation Stanford University, March 2001, p. 2, 5. pp. 1-15. Available at: <http://www.sscnet.ucla.edu/polisci/faculty/boneill/goodfaith5.pdf>.

- Right of Passage over Indian Territory (Portugal v. India), ICJ, Judgment of 12 April 196

- The North Atlantic Coast Fisheries Case (Great Britain v United States of America) (Award) [1910] XI RIAA 169, para 188.

-Case concerning Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v Uruguay) (Merits) [2010] ICJ Rep 18, para 14; Paula Maria Vernet, ‘Pulp Mills on the River Uruguay’ in MPEPIL (July 2010, online edn) para 7 f, available at www.mpepil.com.